



A Literary Critique of Yuri Rubin's Approach to Considering the Letter Ba' as Redundant in the First Verse of Surat Al-'Alaq

Hossein Pourfarrokh¹ , Hasan Rezaei Haftadar²

1. Master's degree in Sciences Quran and Hadith from Allameh Tabataba'i University, Corresponding Author, Iran, Qom; yaesoub128@gmail.com

2. Associate Professor, University of Quranic Sciences and Hadith (Farabi Campus), Tehran University, Iran, Qom; hrezaii@ut.ac.ir

Abstract

Yuri Rubin, a well-known Islamic scholar, in his article "Points in the Interpretation of the First Verses of Surat Al-'Alaq," argues that the command "Read in the Name of your Lord" is for counting the blessings of God, and ultimately he concludes that the main purpose of Surah Al-'Alaq is to encourage the Prophet to praise the omnipotence of his Lord. Rubin based his understanding of the first verse of Surat Al-'Alaq on several premises, the most important of which is an innovative approach, which he uses to consider the letter Ba' in the aforementioned verse as redundant. Since the theories of non-Muslim scholars regarding Quranic verses have a significant impact on introducing the Holy Qur'an to non-Muslim circles and societies, it is necessary to study these theories carefully to discover their strengths, highlight their weaknesses, and reflect about them. In this paper, which relies on a descriptive, analytical, and critical approach, in addition to discussing Rubin's approach, evidence is presented, such as the fragmentation of the verse's structure, the disregard for the subtle connotations of similar structures, and the Quranic custom of using words from the same family, to prove the invalidity of his innovative approach. This, of course, given the dependence of his premises on each other, would also entail invalidity of the whole approach.

KEYWORDS: Yuri Rubin, Surah al-'Alaq, Literary Criticism, The Redundant Letter "Ba", Interpretation by Opinion.

Research Article



Received: 2024-10-04; Received in revised form: 2024-12-28; Accepted: 2025-01-09; Published online: 2025-03-10

©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



shobhe.quran.ac.ir

نقد ادبی روش یوری روبین در زائده شمردن حرف باء در نخستین آیه علق

حسین پورفرخ^۱ ID، حسن رضایی هفتادریز^۲ ID

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، (نویسنده مسئول)، ایران، قم؛

yaesoub128@gmail.com

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (پژدیس فارابی)، ایران، قم؛ hrezaii@ut.ac.ir

چکیده

یوری روبین که از اسلام‌شناسان معروف است در مقاله خود با عنوان «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»، فرمان «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را به معنای برشمردن نعمت‌های پروردگار فهم می‌کند و در نهایت دیدگاه وی این می‌شود که هدف اصلی سوره علق، ترغیب پیامبر به ستایش قدرت مطلق پروردگار خویش است؛ روبین این فهم خود از آیه نخست سوره علق را بر چند مقدمه مبتنی ساخته است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین مقدمه او، یک روش ابتکاری است که با اتکالی به آن، حرف باء در آیه مذکور را زائده می‌شمارد؛ از آنجاکه نظریه‌های عالمان غیرمسلمان درباره آیات قرآنی تأثیر بسزایی در معرفی قرآن به محافل و جوامع غیر اسلامی دارد، ضروری است که این نظریه‌ها با دقت بررسی گردد تا نقاط قوت آن کشف و نقاط ضعف آن نیز تذکر و بازتاب داده شود. در این نگاشته که روش تحقیق در آن از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی است، ضمن گزارش روش روبین، ادله‌ای از قبیل تقطیع ساختار آیه، بی‌توجهی به ظرافت‌های معنایی ساختارهای مشابه و بی‌توجهی به عرف قرآنی حاکم بر استعمال واژه‌های هم‌خانواده بر نادرستی روش ابتکاری او، اقامه شده‌اند؛ که البته با توجه به ترتب مقدمات دیدگاه او بر یکدیگر، نادرستی آن نیز در پی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: یوری روبین، سوره علق، نقد ادبی، باء زائده، تفسیر به رأی.

۱. مقدمه

اصل زائنده شمرده شدن حرف باء در آیه نخست سوره علق مطلبی است که برخی از عالمان و مفسران اسلامی مانند ابو عبیده (ابو عبیده، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۳۰۴) و ابن قتیبہ دینوری (ابن قتیبہ، بی تا، ۱۵۵) به آن معتقد بوده اند؛ اما آقای یوری روبین^۱ در مقاله خود با عنوان «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»^۲ با روشی مبتکرانه، زائنده بودن حرف باء را نتیجه گرفته است و نظر عالمانی مانند ابو عبیده (ابو عبیده، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۳۰۴) و ابن قتیبہ دینوری (ابن قتیبہ، بی تا: ۱۵۵) که به زائنده بودن باء معتقد بوده اند را تأییدی بر روش ابتکاری خود دانسته و مدعی آن است که با بازنگری تفاسیر اسلامی، از رهیافتی ممکن و مناسب در

۱. یوری روبین یهودی و استاد گروه مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه تل آویو اسرائیل و یکی از اعضای هیأت مشورتی دایرة المعارف قرآن (Encyclopaedia of the Qurān) بود؛ زمینه پژوهش های روبین: بررسی صدر اسلام با تکیه بر قرآن، تفاسیر قرآن، سیره و حدیث است. تحقیقات اخیر وی درباره اهمیت بیت المقدس در صدر اسلام است. به بیان دقیق تر وی در این تحقیقات به بررسی جایگاه قبة الصخرة بیت المقدس در صدر اسلام پرداخته و به مقایسه منزلت آن با کعبه مکه از نگاه مسلمانان صدر اسلام مبادرت کرده است. در حال حاضر پژوهش های وی بر روی بررسی توصیف نبوت محمد (ص) در قرآن و مقایسه آن با منابع غیر قرآنی متمرکز است. برخی از آثار وی بدین قرارند:

«Children of Israel», in Encyclopaedia of the Qurān, (Leiden, Brill, 2001).

«بنی اسرائیل» (این اثر توسط دکتر حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است)
The eye of the beholder. The life of Muhammad as viewed by the early Muslims, Princeton 1995;

نگاه بیننده. زندگی محمد (ص) از منظر مسلمانان صدر اسلام.

The life of Muhammad (The formation of the classical Islamic world: Vol.4), Aldershot 1998;

زندگی محمد (ص) (شکل گیری جهان صدر اسلام: ۴ جلدی).

«The shrouded messenger. On the interpretation of al-muzzammil and al-mudaththir», JSAI 16 (1993);

«رسول جامه به خود پیچیده در تفسیر سوره های مزمل و مدثر».

«Muhammad», in Encyclopaedia of the Qurān, (Leiden, Brill, 2003).

«محمد (ص)» (این اثر توسط دکتر حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است).
«Apes, Pigs and the Islamic identity», IOS 17 (1997);

«بوزینه ها و خوکها و تشبیه به آنها در اسلام»

«Prophets and Caliphs. The biblical foundations of the Umayyad authority», Method and Theology in the study of Islamic origins, Leiden 2003.

«انبیاء و خلفاء. اساس قدرت بنی امیه».

«Prophets and prophethood», in Encyclopaedia of the Qurān, (Leiden, Brill, 2004).

«انبیاء و نبوت» (این اثر توسط دکتر حسن رضایی هفتادر به فارسی ترجمه شده و در حال چاپ است).
«Prophets and Progenitors in the early Shī'a tradition», JSAI 1 (1979).

«انبیاء و نیاکان در روایات اولیه شیعه».

2. Uri Rubin, "Iqra bi-smi rabbika ...! Some notes on the interpretation of Surat al-Alaq," Israel Oriental Studies 13 (1993) pp. 213-230

روبین، یوری. (۱۳۷۸). «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق». ترجمه مرتضی کریمی نیا. فصلنامه پژوهش های قرآنی. دوره ۵. شماره ۱۹-۲۰. صص ۳۹۲-۴۱۵.

سوره علق پرده برداری می‌کند (کریمی نیا، ۱۴۰۱ ش: ۶۵).

او در روش ابتکاری خود با مقایسه ساختار آیه نخست سوره علق با ساختار برخی آیات مشابه دیگر، به زائده بودن حرف باء در این آیه معتقد می‌شود و در نتیجه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را هم معنا با «اقْرَأْ اسْمَ رَبِّكَ» می‌پندارد و با ذکر شواهد مختلف شعری و حدیثی - که در ادامه به طور مفصل از آن بحث خواهد شد - به تحکیم و تأیید پنداره خود می‌پردازد؛ او سپس فرمان «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را با برداشت نادرست از کلام فخر رازی، معادل «اذکر اسم ربِّک» قلمداد می‌کند؛ او همچنین اسم خداوند و اسماء حسناى او را بیانگر جوانب مختلف قدرت نامتناهی او برمی‌شمرد و از این جهت امر به قرائت اسم رب را به معنای برشمردن نعمت‌های او می‌داند و در نهایت با مؤید قرار دادن کلام برخی از مفسران (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۰: ۳۹۸) بزرگداشت اسم را همان بزرگداشت صاحب اسم فهم می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هدف اصلی سوره علق، ترغیب پیامبر به ستایش قدرت مطلق پروردگار خویش است؛ او پس از این به گونه‌های مختلف به تضعیف دیدگاه مفسران اسلامی ذیل آیه نخست سوره علق می‌پردازد تا آن‌ها را از صحنه رقابت خارج کند.

ترجمه مقاله مذکور توسط مرتضی کریمی نیا و با عنوان نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق در فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسیده است؛ بعدها نیز در کتاب زبان قرآن تفسیر قرآن که حاوی مجموعه مقالات قرآن پژوهی غربیان است، آورده شده است.

در پژوهش حاضر علاوه بر نقد ادبی روش مبتکرانه یوری روبین در زائده دانستن حرف باء، تلاش شده است تا تفسیر به رأی بودن روش ایشان نیز اثبات شود که این خود یک ثمره علمی - تفسیری است که در کشف و شناخت هر چه بهتر روش ممنوع و مذموم تفسیر به رأی ظاهر می‌شود.

سؤال تحقیق در این نگاشته آن است که روش ابتکاری یوری روبین در زائده شمردن حرف باء در آیه نخست سوره علق چیست؟ و این روش با چه کاستی‌هایی مواجه است؟ لازم به ذکر است که نظریه‌های عالمان غیرمسلمان درباره قرآن و چگونگی فهم و برداشت آنان از منابع اسلامی و قضاوت نهایی آنان درباره آیات قرآنی تأثیر به سزایی در معرفی قرآن و اسلام به محافل و جوامع غیر اسلامی دارد؛ بنابراین ضرورت دارد که این نظریه‌ها با دقت بررسی شود تا نقاط قوت آن که می‌تواند به فهم دقیق تر آیات کمک کند کشف شود و نقاط ضعف آن نیز تذکر و بازتاب داده شود.

در ارتباط با پیشینه این تحقیق باید گفت که در خصوص بررسی و نقد دیدگاه یوری روبین نسبت به نخستین آیه سوره علق، جز تنها مورد ذیل، پژوهش دیگری یافت نشد؛ پژوهش مذکور به نویسندگی آقای علی قانع اردکانی و خانم معصومه غفاری با عنوان «دیدگاه یوری روبین درباره تفسیر آیه اول سوره علق؛ بررسی و نقد» در سال ۱۴۰۰ در نشریه حکمت بالغه به چاپ رسیده است.

وجه تمایز نگاشته پیش رو با مقاله مذکور اولاً در این است که این نگاشته بر نقد ادبی دلیل و شواهد یوری روبین در زائده شمردن حرف باء در نخستین آیه سوره علق متمرکز است؛ اما مقاله مذکور چنین محوریتی ندارد و ثانیاً مقاله مذکور شواهد حدیثی روبین در زائده شمردن حرف باء را مورد بررسی و نقد قرار نداده است؛ اما در نگاشته پیش رو این شواهد به طور کامل مورد نقد قرار گرفته اند.

۲. گزارش کلی از محتوای مقاله «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»

این مقاله در شش بخش تنظیم شده است که بخش اول و دوم آن از آن جهت که نظریه او در آن‌ها تبیین می‌شود، مهم‌ترین بخش‌های مقاله را تشکیل می‌دهند که ما ابتدا خلاصه‌ای از دو بخش اول را ذکر نموده و در ذیل هر یک به نقدهای روشی و محتوایی می‌پردازیم.

الف) خلاصه‌ای از بخش اول مقاله «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»
روبین می‌نویسد: «اکثر مترجمان معاصر قرآن به انگلیسی، فرانسوی و آلمانی معتقدند که «اقرأ» ناظر به متن نبوی معینی است که حضرت محمد (ص) مأمور به خواندن یا قرائت آن بوده است؛ اما این مترجمان درباره مضامین یا محتوای آن متن اتفاق نظر ندارند؛ به عبارت دیگر «باسم ربک» را سرآغاز متنی می‌دانند که حضرت محمد (ص) به خواندن آن مأمور بوده است؛ اما بسیاری از مترجمان چنین فرض کرده‌اند که «بِاسْمِ رَبِّكَ» بخشی از متنی که پیامبر می‌بایست می‌خوانده نبوده است بلکه این عبارت تنها کیفیت انجام دستور اقرار را بیان می‌کند». او همچنین می‌گوید: «محققان غربی در حوزه قرآن و سیره نبوی همین‌گونه ترجمه کرده‌اند» و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که طبق هر دو دیدگاه، ترجمه «بِاسْمِ رَبِّكَ» یکسان می‌شود: «به نام پروردگارت» (کریمی نیا، ۱۴۰۱ ش: ۶۴ - ۶۵).

نقد محتوایی بخش اول (بی‌توجهی به دستور زبان عربی): روبین پس از بیان دو دیدگاه در ترجمه «بِاسْمِ رَبِّكَ» نتیجه گرفت که هر دو ترجمه یکسان

است؛ این در حالی است که او از قاعده ضرورت تعلق جار و مجرور به یک عامل (لابد من تعلق الجار والمجرور بفعل أو بما فی معناه) غفلت کرده است (ابن هشام، ۱۴۲۸ ق، ج ۲: ۸۷؛ مدنی شیرازی، ۱۴۳۲ ق: ۷۹۶ - ۷۹۷؛ ازهری، بی تا: ۹۵)؛ بنابراین قاعده، عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ» در صورتی بیانگر کیفیت و حالت انجام دستور اقرار است که به کلمه‌ای مقدر همانند «مستعینا» یا «مفتتحا» (شرتونی، ۱۴۳۴ ق، ج ۳: ۶۸۲؛ همان، ج ۴: ۱۱۳) یا امثال آن تعلق داشته باشد؛ در نتیجه ترجمه صحیح و کامل عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ» طبق دیدگاه دوم در صورتی نمایان می‌شود که ترجمه آن لفظ مقدر نیز در ترجمه آن لحاظ شود؛ بنابراین ترجمه عبارت چنین می‌شود: «بخوان درحالی که از نام پروردگارت استعانت می‌جویی (با استعانت از نام پروردگارت بخوان)» یا «بخوان درحالی که با نام پروردگارت آغاز می‌کنی (با نام پروردگارت آغاز بخواندن کن)»؛ و این ترجمه همان طور که مشخص است به طور کامل با ترجمه دیدگاه اول متفاوت است.

ب) خلاصه بخش دوم مقاله «نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق»
در بخش دوم روبین به این نکته تذکر می‌دهد که عبارت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را باید با دیگر آیات قرآنی که مشتمل بر «بِاسْمِ رَبِّكَ» هستند مقایسه کرد؛ از نظر او این آیات عبارت‌اند از آیه ۷۴ و ۹۶ سوره واقعه و ۵۲ سوره حاقه که هر سه با تعبیر یکسان «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» آمده است؛ سپس روبین با یک مقایسه ساده میان «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» با آیه «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (اعلیٰ ۱) زائده بودن باء در «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» را روشن و واضح می‌شمارد؛ روبین پس از ذکر این مقدمات نتیجه می‌گیرد که به دلیل همانندی ظاهری میان ساختار آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» با آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» باء در آن نیز زائده است و این مطلب را نیز روشن و بدیهی محسوب می‌کند و در نهایت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را به دلیل زائده پنداشتن باء در آن، هم معنای با «اقْرَأْ اسْمِ رَبِّكَ» قلمداد می‌کند. خلاصه آن که ایشان به صرف یک مقایسه ظاهری میان سه آیه ۷۴ و ۹۶ سوره واقعه و ۵۲ سوره حاقه با آیه نخست سوره اعلیٰ، زائده بودن باء در آن سه آیه را نتیجه می‌گیرد و چون ساختار آن سه آیه، مشتمل بر «بِاسْمِ رَبِّكَ» است و آیه نخست علق نیز همچنین است، آن‌ها را مثل هم دانسته و حکم آن سه آیه را به آیه نخست علق داده و به زائده بودن باء در آن نیز معتقد شده است.

در ادامه بخش دوم، روبین به کلام دو نفر از عالمان اسلامی (ابوعبیده، ۱۳۸۱ ق، ج ۲: ۳۰۴؛ ابن قتیبه دینوری، بی تا: ۱۵۵) اشاره می‌کند که زائده بودن باء در آیه نخست علق را تأیید می‌کنند. روبین برای تحکیم نظر خود نسبت به هم معنایی

«قرأ ب» و «قرأ» به ذکر شواهد مختلف می‌پردازد و ادعا می‌کند که این مطلب در متون پیش از اسلام یافت می‌شود اما مثالی را از آن دوره ذکر نمی‌کند. سپس می‌گوید: فخر رازی در تأیید نظر ابو عبیده بیتی از اخطل - شاعر عصر اموی - (برای آشنایی بیشتر با اخطل ر.ک: فاتحی نژاد، ۱۳۷۵ ش، ج ۷: ۳۱۵) را شاهد می‌آورد که می‌گوید: «...و سود المحاجر لا یقرآن بالسور».

در ادامه نیز تعدادی از احادیث نبوی را به عنوان شاهد می‌آورد که به اعتقاد او نشان از زائده بودن حرف باء دارند. او پس از ذکر شواهد خود می‌گوید: این‌گونه مثال‌ها که در آن‌ها آمدن یا نیامدن باء تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند، نشان می‌دهند که بسیار بهتر است همانند ابو عبیده و ابن قتیبه عبارت «أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ» را به معنای «أَقْرَأُ اسْمَ رَبِّكَ» بدانیم (کریمی نیا، ۱۴۰۱ ش: ۶۷ - ۶۸).

۳. نقد بخش دوم

پس از آن که خلاصه‌ای از بخش دوم مقاله نکاتی در تفسیر نخستین آیات سوره علق از نظر گذشت به نقد محتوایی و روشی بخش مذکور می‌پردازیم.

الف) نقد محتوایی

- **بی‌توجهی به بلاغت بی‌بدیل قرآن:** او با مقایسه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» با «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» زائده بودن باء را واضح شمرد؛ به عبارتی دیگر ایشان به صرف یک مقایسه ظاهری میان دو عبارت و بدون توجه به بار معنایی که حرفی همانند باء می‌تواند در یک منظومه‌ای در اوج بلاغت بر عهده داشته باشد، چنین حکم می‌کند. بر اهل فن پوشیده نیست که تک‌تک کلمات در سخنان هر سخنران عاقل بلیغ بر اساس دلیل و حکمت و مقتضای حال و مقام است به‌گونه‌ای که اگر در عبارتی کلمه‌ای را ذکر کند و در عبارت مشابه دیگری آن کلمه را نیاورد، علی‌القاعده میان دو عبارت تفاوتی وجود دارد که آن سخنران، آن تفاوت را با اندک تغییری میان دو عبارت، اراده کرده است؛ حال چگونه ممکن است در سخنان ارباب سخن و حکمت و معلم بیان (الرحمن/۴) به صرف یک مقایسه ظاهری و بدون ارائه هیچ دلیلی، قائل به هم‌معنایی میان «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در نتیجه قائل به زائده بودن باء در عبارت اول شد؟! عبارت اول شد؟! عبارت اول شد؟!

گزارش ناقص و نادرست آراء مفسران اسلامی: روبین در دو مورد گزارشی ناقص بلکه نادرستی از نظر فخر رازی ارائه می‌دهد؛ یکی آنجا که می‌گوید فخر رازی در تأیید نظریه ابو عبیده بیتی از اخطل را شاهد می‌آورد (کریمی نیا، ۱۴۰۱ ش: ۶۷) و این

تأیید را نظر نهایی فخر برمی شمرد و دیگری آنجا که می گوید فخر رازی «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را معادل «اذکر اسم ربک» می داند (کریمی نیا، ۱۴۰۱ ش: ۶۸)؛ درحالی که این گونه نیست؛ به دلیل اهمیت مطلب، عبارت فخر رازی که مورد استشهد روبین است، اینجا آورده می شود: «اعْلَمْ أَنَّ فِي الْبَاءِ مِنْ قَوْلِهِ: بِاسْمِ رَبِّكَ قَوْلَيْنِ: أَحَدُهُمَا: قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ: الْبَاءُ زَائِدَةٌ، وَالْمَعْنَى: اَقْرَأْ اسْمَ رَبِّكَ، كَمَا قَالَ الْأَخْطَلُ: هُنَّ الْحَرَائِرُ لَا رَبَّاتُ أَحْمَرَةٍ سُودُ الْمَحَاجِرِ لَا يَقْرَأَنَّ بِالسُّورِ وَمَعْنَى اَقْرَأْ اسْمَ رَبِّكَ، أَيْ اذْكُرْ اسْمَهُ، وَهَذَا الْقَوْلُ ضَعِيفٌ لَوْجُوهٍ أَحَدُهَا: أَنَّهُ لَوْ كَانَ مَعْنَاهُ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ مَا حَسُنَ مِنْهُ أَنْ يَقُولَ: مَا أَنَا بِقَارِيٍّ، أَيْ لَا اذْكُرْ اسْمَ رَبِّي وَثَانِيهَا: أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَلِيْقُ بِالرَّسُولِ، لِأَنَّهُ مَا كَانَ لَهُ شُغْلٌ سِوَى ذِكْرِ اللَّهِ، فَكَيْفَ يَأْمُرُهُ بِأَنْ يَشْتَغَلَ بِمَا كَانَ مَشْغُولاً بِهِ أَبَدًا وَثَالِثُهَا: أَنَّ فِيهِ تَضْيِيعَ الْبَاءِ مِنْ غَيْرِ فَائِدَةٍ؛» درباره گزارش اول ایشان باید گفت که فخر رازی صرفاً درصدد بیان نظریه ابوعبیده است که باء در «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را زائده می داند و آن شاهد شعری «... و سود المحاجر لا يقرآن بالسور» را در تأیید اولیه این نظریه مبنی بر زائده بودن باء در «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» آورده است و با عبارت «كما قال الأخطل» درصدد تمثیلی برای زائده واقع شدن باء بعد از ماده قرائت است درحالی که روبین از این تمثیل فخر نتیجه گرفته است که فخر با این شاهد شعری، نظر ابوعبیده را تأیید کرده است و نظر نهایی خود فخر نیز همین است؛ قوی ترین شاهد در نفی ادعای روبین نیز کلام خود فخر در ادامه است که در مقام تضعیف نظریه اول، زائده دانستن باء در «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را تضييع بی فایده معنای حرف باء برشمرده است؛ حال چگونه باوجود چنین تضعیفی از جانب فخر، می توان گفت که او مؤید زائده بودن باء است؟!

درباره گزارش دوم ایشان نیز باید گفت که فخر رازی صرفاً در مقام شرح و توضیح نظریه ابوعبیده است و کاملاً روشن است که به آن معتقد نیست؛ زیرا که بلافاصله دو اشکال را بدین صورت بر این هم معنایی وارد می سازد:

اشکال اول فخر: اگر «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» به معنای «اذکر اسم» بوده باشد، نیکو نیست که حضرت رسول (ص) در جواب بگوید که «ما أنا بقارئ» (من نام پروردگارم را یاد نمی کنم)؛ درنتیجه مشخص می شود که اَقْرَأْ «اسم ربک» به معنای «اذکر اسم» نیست.

اشکال دوم فخر: چنین فرمانی شایسته مقام حضرت رسول (ص) نیست زیرا آن حضرت جز یاد پروردگار به چیز دیگری مشغول نبوده است؛ پس چگونه ایشان به آنچه همیشه به آن مشغول بوده است امر شده باشد؟! (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۲: ۲۱۵).

بی‌توجهی به ظرافت‌های معنایی میان ساختارهای مشابه عربی): روبین تعدادی از احادیث نبوی را ذکر می‌کند که به اعتقاد او نشان از زائده بودن حرف باء در استعمال «قرأ ب» دارند؛ به عنوان مثال فعل قرأ در حدیث «من قرأ بقل هو الله أحد فکأنما قرأ بثلاث القرآن» (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ج ۳۵: ۱۹۷) با باء استعمال شده است و در حدیث مشابه دیگری «... من قرأ الله الواحد الصمد فقد قرأ ثلاث القرآن» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ج ۵: ۱۶۷) بدون باء استعمال شده است.

در این خصوص باید گفت که این حدیث و با همین سند در تعدادی از منابع حدیثی بدون باء نقل شده است. در کتاب فضائل القرآن این چنین آمده است: «حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ، قَالَ: أَخْبَرَنَا حُصَيْنٌ، عَنْ هِلَالِ بْنِ يَسَافٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ، أَوْ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ» (ابن سلام، ۱۴۱۵ ق، ج ۱: ۲۶۸)؛ در کتاب عمل الیوم و اللیل نیز بدین گونه نقل شده است: «۶۸۵ - أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ قَالَ حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ قَالَ أَخْبَرَنَا حُصَيْنٌ عَنْ هِلَالِ بْنِ يَسَافٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ».

۶۸۶ - «أَخْبَرَنَا هِلَالُ بْنُ الْعَلَاءِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ عَنْ حُصَيْنٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ» (نسائی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۴۲۵).

در کتاب المستخرج من الاحادیث المختاره بدین صورت گزارش شده است: «أَخْبَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مَعْمَرٍ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْقُرَشِيُّ بِأَصْبَهَانَ أَنَّ سَعِيدَ بْنَ أَبِي الرَّجَاءِ أَخْبَرَهُمْ أَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ أَحْمَدَ الْبَقَالِ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَعْقُوبَ أَنَا جَدِّي إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ نَا هُشَيْمٌ أَنَا حُصَيْنٌ عَنْ هِلَالِ بْنِ يَسَافٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ أَوْ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ» (مقدسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳: ۴۳۸).

با این وجود و مطابق با قاعده «إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال» احتمال این می‌رود که اصل حدیث بدون باء صادر شده باشد و مطابق با این احتمال بحث از زائده بودن یا نبودن باء، سالبه به انتفای موضوع است؛ در هر صورت این حدیث

نمی‌تواند شاهی برای ادعای ربوبین در نظر گرفته شود.

ربوبین دو حدیث دیگر نیز می‌آورد که به گمان او ذکر یا عدم ذکر باء در معنای آن‌ها تأثیری ندارد: «لا صلاة لمن لم يقرأ بفاتحة الكتاب» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۱: ۱۵۱ و ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۲۵) و «من صلى صلاة لم يقرأ فيها بأم القرآن، فهي خداج، هي خداج، غير تمام» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ج ۲: ۱۲۱).

در خصوص این دو حدیث اولاً باید گفت که این دو بدون حرف باء نقل نشده‌اند و همین نکته به این اشعار دارد که بین ذکر باء و عدم ذکرش تفاوت وجود دارد؛ تفاوت آن‌ها در قاعده تضمین است (برای آشنایی بیشتر با جوانب مختلف بحث تضمین ر.ک: ابن جنی، ۱۴۳۵ ق، ج ۲: ۳۱۴-۳۱۰؛ ابن هشام، ۱۴۲۸ ق، ج ۲: ۳۰۵-۳۰۶؛ حسن، بی‌تا، ج ۲: ۴۵۲-۴۳۶)؛ یعنی ماده قرائت در این دو حدیث متضمن معنای فعل دیگری نیز است؛ اما این که آن فعل دیگر چیست و راه تشخیص چه است پرسشی است که پاسخش در مفهوم حدیث نهفته است و باید توجه کافی بدان مبذول شود؛ در خصوص حدیث اول باید گفت که صرف نخواندن سوره حمد در نماز، موجب نفی نمازیت از نماز خوانده شده نیست؛ همچنانی که نخواندن سوره حمد در نماز از روی فراموشی، موجب نفی نمازیت از نماز خوانده شده نیست (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲: ۱۴۶-۱۴۷؛ حر عاملی، بی‌تا، ج ۶: ۹۰-۹۱) بلکه مراد حدیث، ملازم نبودن به خواندن سوره حمد در نماز است که این عدم ملازمت، موجب نفی نمازیت می‌شود.

خلاصه آن که ماده قرائت در حدیث، متضمن معنای ماده لزوم (ملازمت داشتن) شده است و چون ماده لزوم با باء نیز استعمال می‌شود (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۲۰۲۹؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۲)، ماده قرائت نیز با باء استعمال شده است.

مطلب مذکور در ذیل حدیث سابق، درباره حدیث «من صلى صلاة لم يقرأ فیها بأم القرآن...» نیز صادق است؛ بدین معنا که صرف نخواندن سوره حمد موجب ناتمامی نماز نیست بلکه ملازمت نداشتن به خواندنش، موجب ناتمامی آن است. با مطلب ذکر شده مشخص می‌شود که برخلاف نظر ربوبین، حرف باء در حدیث زائده و بدون معنا نیست و این همان ظرافت معنایی بین دو ساختار مشابه است که او اصلاً متوجه آن نشده است. برای وضوح و تأیید هرچه بیشتر مطلب مذکور در ذیل این دو حدیث، توجه خوانندگان را به دو حدیث متوالی در کتاب المستخرج جلب می‌کنیم:

حدیث ۱۷۵۰ با حذف سند: «أَنَّ رَجُلًا كَانَ يُؤْمِنُ النَّاسَ بِقُبَاءٍ وَكَانَ إِذَا صَلَّى افْتَتَحَ صَلَاتَهُمْ افْتَتَحَ بِ {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} ثُمَّ قَرَأَ بَعْدَهَا سُورَةً يَقْرَأُ بِهَا يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي

صَلَاتِهِ كَلَهَا فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ لَوْ جَعَلْتَ الَّذِي تَقْرَأُ بِهِ فِي الصَّلَاةِ لَكَانَ أَحَبَّ إِلَيْنَا فَقَالَ لَهُمْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ أَنْ أُوَكِّمَ فَإِنِّي لَا أَقْرَأُ إِلَّا بِهَذِهِ السُّورَةِ قَالَ وَكَانُوا يَكْرَهُونَ أَنْ يُؤْمَهُمْ غَيْرُهُ وَكَانُوا يَرَوْنَهُ مِنْ أَفْضَلِهِمْ فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَدَعَاهُ فَسَأَلَ عَمَّا قَالَ الْقَوْمُ فَأَعْتَرَفَ بِذَلِكَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَلِمَ تَفْعَلُ ذَلِكَ قَالَ أَحِبُّهَا قَالَ حُبُّكَ إِيَّاهَا أَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ» (مقدسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۱۲۸ - ۱۲۹).

حدیث ۱۷۵۱ با حذف سند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِرَجُلٍ لِمَ تَلَزِمُ قِرَاءَةَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَالَ إِنِّي لِأَحِبُّهَا قَالَ فَإِنَّ حُبَّهَا أَدْخَلَكَ الْجَنَّةَ» (مقدسی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۱۲۹).

از نظر نگارنده عبارت «لِمَ تَلَزِمُ قِرَاءَةَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در حدیث دوم، روشن کننده مراد از عبارت های «يَقْرَأُ بِهَا»، «تَقْرَأُ بِهِ» و «فَإِنِّي لَا أَقْرَأُ إِلَّا بِهَذِهِ السُّورَةِ» در حدیث اول است؛ زیرا آنچه مورد سؤال پیامبر (ص) است ملازمت داشتن آن شخص به قرائت سوره توحید در نماز است و نه صرف قرائت آن؛ به عبارتی دیگر پیامبر از گزارش اصحاب نسبت به عملکرد آن مرد، ملازمت به قرائت را فهم کرده بودند که بعد از همان ملازمت سؤال پرسیدند و نه از صرف قرائت آن سوره؛ و این مؤید به کار رفتن قاعده تضمین در خصوص دو حدیث مورد استشهاد روبین است. با این نقد، تمامی شواهد حدیثی مورد استشهاد روبین از دست او گرفته شد.

ب) نقد روشی

-نادیده گرفتن و برخورد گزینشی با استدلال مفسران اسلامی: روبین که در مواضع متعدد از مقاله اش به کلام فخر رازی استشهاد کرده است، ای کاش تفاوت گذاشتن فخر رازی میان دو عبارت «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را متذکر می شد تا اگر نقد و اشکالی بر آن وارد بود خوانندگان را از آن آگاه می کرد نه آن که خاموش از کنار آن بگذرد و به نظر مخالف با خود هیچ اشاره ای نکند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۹: ۴۲۳ - ۴۲۴)؛ به دیگر سخن، روبین در تعامل با گفته های فخر رازی، گزینشی عمل کرده است؛ موردی که به گونه ای - ولو با سوء برداشت - با دیدگاه خودش موافق دیده است - مانند آنچه ذیل نقد محتوایی (گزارش ناقص و نادرست آراء مفسران اسلامی) از نظر گذشت - را آورده و این مورد مخالف با دیدگاهش را ذکر نکرده است؛ و همان طور که واضح است گزینشی عمل کردن یکی از آفات بسیار بزرگ عرصه پژوهش است.

-تقطیع ساختار آیه: یوری روبین در گام نخست عبارت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» را با دیگر آیات قرآنی که مشتمل بر «بِاسْمِ رَبِّكَ» بوده اند مقایسه کرده است و تلاش

کرده تا از این رهگذر به معنای «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» دست یابد؛ اما بزرگ‌ترین اشتباه روبین آن است که ساختار آیه را تقطیع کرده و با مقایسه عبارت تقطیع شده (بِاسْمِ رَبِّكَ) با آیات مشابه دیگر سعی در فهم معنای آیه کرده است؛ درحالی‌که او می‌بایست تمامی ساختار خصوصاً رکن این ساختار را که همان «اَقْرَأْ ب» است را با سایر استعمالات قرآنی مشابه - بر فرض وجود - مقایسه می‌کرد.

- بی‌توجهی به عرف قرآنی حاکم بر استعمال واژه‌های هم‌خانواده: روبین در مقاله‌اش به عرف قرآنی حاکم بر استعمال ماده قرائت توجه نداشته است؛ و این در حالی است که باء زائده در هیچ‌کدام از استعمالات این ماده وجود ندارد؛ تنها همین آیه نخست سوره اقرأ است که زائده بودن باء در آن مشکوک و احتمالی بیش نیست؛ نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است که استعمال ماده قرائت همراه با باء زائده در عرف قرآنی ثابت نیست و نمی‌توان مورد مشکوک را بر آن حمل کرد.

تا به اینجا روشن گردید که نقدهایی از قبیل (۱) بی‌توجهی به دستور زبان عربی، (۲) بی‌توجهی به بلاغت بی‌بدیل قرآن، (۳) تقطیع ساختار آیه و مقایسه عبارت تقطیع شده با سایر آیات (۴)، بی‌توجهی به ظرافت‌های معنایی میان ساختارهای مشابه عربی (۵) بی‌توجهی به عرف قرآنی حاکم بر استعمال واژه‌های هم‌خانواده بر عملکرد یوری روبین وارد است؛ این نقدها به خودی خود نقدهای ادبی است که به منظور اثبات اشتباه ایشان در روش استنباط زائده بودن حرف باء بیان شد؛ اما نتیجه اصلی این نقدها این است که عملکرد و روش آقای روبین، نمونه بارزی از تفسیر به رأی است چون هرکدام از نقدهای مذکور شاخصه‌ای از تفسیر به رأی است؛ زیرا یکی از تعاریفی که از تفسیر به رأی شده این است که مفسر رأی و نظر شخصی خویش را بیان کند و آن را تفسیر آیه قرار دهد بدون آن‌که اسلوب کلام و جهات مربوط به دلالت الفاظ و مقاصد واقعی را مراعات کند (عمید زنجانی، ۱۳۶۶ش، ۱۳۸).

نتایج

۱. آقای روبین برای یافتن ساختارهای مشابه «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» عبارت مورد نظر را تقطیع کرده و تلاش نموده است تا عبارات قرآنی مشابهی با بخش تقطیع شده (بِاسْمِ رَبِّكَ) به دست آورد؛ درحالی‌که برای یافتن ساختارهای مشابه یک عبارت قرآنی و یا به طور کلی یک عبارت عربی، می‌بایست از تقطیع ساختار عبارت پرهیز کرد.

۲. بی‌توجهی آقای روبین به بلاغت بی‌بدیل قرآن کریم، سبب شده است تا

ایشان به صرف یک مقایسه ظاهری میان دو عبارت «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» به زائده بودن حرف باء در عبارت اول حکم کند.
۳. بی توجهی آقای روبین به ظرافت‌های معنایی میان ساختارهای مشابه عربی، موجب توهم هم معنایی میان استعمال «قرأ» و «قرأ ب» در شواهد حدیثی ایشان شده است.

۴. توجه به عرف قرآنی حاکم بر استعمال واژه‌های هم خانواده قرائت، مانع از زائده دانستن باء در «اقرأ باسم ربك» می‌شود؛ اما آقای روبین بدین عرف توجهی نداشته است.

۵. در مجموع، روش ابتکاری آقای روبین در زائده شمردن حرف باء در آیه نخست سوره علق، نمونه بارزی از تفسیر به رأی محسوب می‌شود.



منابع

- ابن سلام، قاسم، (۱۴۱۵ ق)، فضائل القرآن، جلد ۱، چاپ اول، بیروت: دارابن کثیر.
- ابن هشام، عبد الله، (۱۴۲۸ ق)، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، جزء ۲، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن جنی، عثمان، (۱۴۳۵ ق)، الخصائص، جلد ۲، چاپ اول، قم: ذوی القربی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، مسند أحمد بن حنبل، جلد ۳۵، چاپ اول، بی جا: مؤسسة الرسالة.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی، (۱۳۸۱ ق)، مجاز القرآن، جلد ۲، قاهره: مكتبة الخانجي.
- ازهری، خالد، (بی تا)، موصل الطلاب إلى قواعد الإعراب، با تحقیق بدرای زهران، بی جا: بی نا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۲۲ ق)، صحیح البخاری، جلد ۱، چاپ اول، بی جا: دار طوق النجاة.
- ترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۵ ق)، سنن الترمذی، جلد ۲ با تحقیق احمد محمد شاکر و جلد ۵ با تحقیق ابراهیم عطوه عوض، چاپ دوم، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- جوهری، ابونصر، (۱۴۰۷ ق)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، جلد ۵، چاپ چهارم، بیروت: دار العلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (بی تا)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- حسن، عباس، (بی تا)، النحو الوافی، ج ۲، قم: ذوی القربی.
- دینوری، ابن قتیبہ، (بی تا)، تأویل مشکل القرآن، با تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شرتونی، سعید، (۱۴۳۴ ق)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۳ و ۴، چاپ سوم، تهران: دار الأسوة.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ ق)، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۱۰، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الأعلمی للطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵ ش)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۶ ش)، مبانی و روش های تفسیر قرآن، چاپ اول، بی جا: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فاتحی نژاد، عنایت الله، (۱۳۷۵ ش)، أخطل در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق)، مفاتیح الغیب، ج ۲۹ و ۳۲، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم: دار الهجرة.
- کریمی نیا، مرتضی، (۱۴۰۱ ش)، زبان قرآن تفسیر قرآن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات هرمس.
- مدنی شیرازی، سید علیخان، (۱۴۳۲ ق)، الحدائق الندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، با تصحیح، تحقیق و تعلیق سید ابوالفضل سجادی، چاپ دوم، قم: ذوی القربی.
- مقدسی، ضیاء الدین، (۱۴۲۰ ق)، الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم یخرجه البخاری و مسلم فی صحیحیهما، با تحقیق عبدالملک ابن عبدالله بن دهیش، ج ۳ و ۵، چاپ سوم، بیروت: دار خضر.
- نسائی، ابو عبدالرحمن، (۱۴۰۶ ق)، عمل الیوم واللیلة، ج ۱، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الرسالة.